

۱۴۹ \_ ای صاحب چشم بینا آنچه مشاهده نمودی عین واقعست در جهان بینش است عطر در غنچه مندمج و مندرجست چون شکفته گردد آن رائحه طیبیه منتشر شود گیاه بی‌ثمر نبود ولی بنظر چنین آید زیرا هر گیاهیرا اثر و خواصی در این باغ الهی و هر گیاهی مانند گل صد برگ خندان مشام را معطر نماید مطمئن باش صفحات اوراق هر چند از معانی و کلمات مرقومه بیخبرند ولی بمقارنت آنکلمات در نهایت تعظیم و تکریم در دست دوستان میگردند این مقارنت نیز صرف موهبتست روح انسانی چون از این خاکدان فانی بجهان رحمانی پرواز نماید پرده بر افتد و حقایق آشکار گردد جمیع امور مجهوله معلوم شود و حقایق مستوره محسوس گردد ملاحظه نما که انسان در عالم رحم از گوش کر بود و از چشم نابینا و از زبان لال و از جمیع احساسات محروم و چون از آنجهان ظلمانی باینعالم روشن و نورانی انتقال نمود دیده بینا شد و گوش شنوا گشت و زبان گویا گردید همچنین چون از اینعالم فانی بجهان رحمانی شتابد ولادت روحانی یابد دیده بصیرت باز شود وسمع روح شنوا گردد و جمیع حقائق مجهوله معلوم و آشکار شود سیاح بینا چون در راهی عبور نماید البته کشفیاترا بخاطر آرد مگر آنکه عوارضی عارض گردد و فراموش نماید \*